

کوروش کبیر

تألیف:

هارولد آلبرت لمب

ترجمہ:

دکتر صادق رضا زادہ سفی



سرشناسه:	لمب، هارولد آلبرت، ۱۸۹۲ - ۱۹۶۲ م
عنوان و نام پدیدآور:	Lamb, Harold Albert
مشخصات نشر:	کوروش کیپر / تألیف: هارولد آلبرت لمب؛ ترجمه: رضازاده شفق.
مشخصات ظاهری:	تهران: آوای مهدیس، ۱۳۹۲.
شابک:	۳۹۲ ص
وضعیت فهرست نویسی:	978-600-94119-5-5
یادداشت:	فیبا.
موضوع:	عنوان اصلی: Cyrus, the Great, 1960
موضوع:	کوروش هخامنشی، شاه ایران، - ۵۲۹ ق.م. - - سرگذشتنامه
موضوع:	کوروش هخامنشی، شاه ایران، - ۵۲۹ ق.م. - - جنگ‌ها
موضوع:	ایران - - تاریخ - - هخامنشیان، ۵۵۸ - ۵۲۹ ق.م.
شماره افزوده:	رضازاده شفق، صادق، ۱۲۷۴ - ۱۳۵۰، مترجم
ردیف بدی کنکره:	DSR ۲۳۶/۸ ک ۹ ۱۳۹۲
ردیف بدی دیوبی:	۹۵۵/۱۵۰۹۲
شمار کتابت سی:	۳۳۷۴۶۹۶

انتشارات آوای مهدیس

نام کتاب: کوروش کیپر

تألیف: هارولد آلبرت لمب

ترجمه: دکتر رضازاده شفق

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۱۹-۵-۵

آدرس: خ انقلاب - خ ژاندارمری، بین فخر رازی و دانشگاه، پلاک ۶۳، واحد ۱

تلفن: ۶۶۴۷۶۵۷۶-۸ همراه: ۰۹۱۲۱۰۰۹۵۲۰

بخش کتاب مهدیس

قیمت: ۴۵۰،۰۰۰ ریال

فهرست

۵	دیباچه مترجم
۱۱	دیباچه
۱۵	یادداشت مؤلف
۱۹	یادداشت مترجم
۲۵	بچه‌های دروازه
۸۹	مسیر آریایی‌ها
۱۴۷	پیشگویی کاهن دلفی
۲۰۹	کاوی ویشاسپه
۲۶۳	منظره شهر
۳۲۵	جاده‌ها به سوی دریا می‌رود
۳۶۱	دولت جهانی
۳۹۱	منابع

دیباچه مترجم

آقای هارولد لمب^۱ مؤلف کتاب حاضر یعنی «کورش کبیر» که متن انگلیسی آن حدود یک سال پیش (۱۹۶۰ میلادی) در نیویورک انتشار یافت، در میان ایرانیان ناشناس نیست. چندین بار به کشور ما مسافرت کرده و مطالعاتی به جا آورده و در تاریخ و ادب و داستان‌ها، ایران و بعضی ملل مجاور غور نموده و انتشاراتی سودمند به شکل مقالات و کتب در این زمینه‌ها به وجود آورده است که اکثر آن‌ها از انگلیسی به زبان‌های دیگر از آن جمله به فارسی ترجمه و طبع گردیده است. تألیفات معروف او نظیر: عروس ایران، عمر خیام، چنگیزخان، تیمورلنگ، جنگ‌های صلیبی، سلیمان فاتح، اسکندر مقدونی، که این کتاب اخیر را اینجانب ترجمه کردم و در بهمن ماه ۱۳۳۵ طبع و نشر شد، معروف و مشهور است. سبک مؤلف محترم در تمام این تألیفات شرح مطالب تاریخ به شکل وصف و داستان است که خواندن آن را خوش‌آیند و شیرین می‌کند. مسافرت‌های مؤلف در کشورهای مربوط به داستان‌ها و معاشرت او با مردم و مطالعات او در باب گذشته و حال آن‌ها، تألیفات او را از لحاظ حقایق تاریخی و خواص روحی و اوضاع ملل و اقوام خاورمیانه بس سودمند قرار می‌دهد.

1. Harold lamb

کتاب کوروش کبیر که اینک ترجمه آن تقدیم هم‌میهنان ارجمند می‌شود، تاریخی است رمان مانند یا رمانی است تاریخی؛ گرچه مؤلف محترم در هیچ یک از این دو نوع ادعایی ندارد. متن انگلیسی کتاب چنانکه اشاره شد، به سال ۱۹۶۰ میلادی یعنی قریب ۴۲ سال پیش در آمریکا منتشر شد و این انتشار مصادف بود با جشن‌های دوهزار و پانصد ساله ایران، به همین مناسبت برخی از مؤرخان آن دوره کتابی را که در مورد کوروش کبیر نشر داده شده بود را به فارسی ترجمه کردند.

خالی از فایده نمی‌دانم ملاحظات در باب سبک و مطالب متن به نظر قارئین کرام برسانم. اوّل هر کس کتاب را به دقت بخواند از تبحر مؤلف در زبان، مخصوصاً سبک خبرت‌آور او در لغات و مترادفات انگلیسی واقعاً تعجب می‌کند و به وسعت لغت‌شناسی او آفرین می‌گوید و او را یک قاموس ناطق می‌پندارد. در عین حال با وجود این لغت‌سازشی شگفت‌آور، جمله‌بندی و عبارات کتاب بسا مبهم و نیمه تمام و در مواردی عروض تعقید و حتی مطالب آن هم گاهی متناقض به نظر آمد و این سبک به انصاف اینجانب در کتاب «کوروش کبیر» به نسبت بیشتر از سایر تألیفات آقای لب‌کار رفته که شاید تغییر احوال و مرور سن و سال در آن تأثیر داشته است. دوم از آن‌ها این که این کتاب نیز مانند سایر کتاب‌های مؤلف دانشمند بر مطالعات و تتبعات و تجربیت او استناد دارد و بنابراین زمینه روشن و پهناوری از تاریخ گذشته ما را در مدنظر خواننده می‌دارد، باز در مواردی خیال به حقیقت و داستان به تاریخ پیوسته شده حتی مختصر اشتباهاتی هم روی داده است که از آن‌ها حتی به حساب داستان هم نمی‌توان اغماض کرد زیرا با این که داستان می‌تواند نیروی تخیل را در بسط و تفضیل و تزئین وقایع تاریخی به کار برد از طرف دیگر نمی‌تواند وقایع یا اشخاص واقعی را تغییر دهد و موجبات سوء تفاهم فراهم آورد. مثلاً ماندانه (مندانه) لااقل به قول یکی دو منبع یونانی، مانند گرنفن در کتاب «پرورش کوروش» دختر ازدهاک و دختر بخت‌النصر! و اگر در صحت تمام این خبر تردیدی هم باشد مسلماً وی

دختر بخت النصر نبوده. همچنین آقای مؤلف (گوبارو) را که به ضبط یونانی (گبرياس) و به ضبط بابلی (اوگبارو) باشد، حکم‌دار شوشان می‌داند در صورتی که تواریخ قدیم، او را حکم‌دار ناحیه (کوتیوم) می‌خوانند که ناحیه‌ای بوده میان رود دیاله و زاب سفلی و دجله. ایضاً (آمیتیش) به موجب روایات یونانی، دختر ازدهاک بوده نه گوبارو.^۱ البته امثله دیگر از این قبیل توان پیدا کرد. در معنی نام‌ها هم ایشان به حکم این که نظرشان بیشتر به داستان است زیاد مقید نبوده‌اند. مثلاً کوروش را به موجب فرض اصل و ریشه بابلی به معنی «چوپان» گرفته در صورتی که مستشرقین مانند (پوستی) آن را از کلمه (کورو) خور (خورشید) دانسته‌اند. نیز نام استیگ (آستیاز) را با تبعیت از (المستد) به معنی زوبین انداز (آرش تیوبگ) گرفت، در صورتی که پوستی، آن را عین کلمه (ازدهاک) می‌داند. نامیدن نقاط جغرافیایی با نام‌های وصفی مانند (دریای گیاه) به جای جلگه‌های شمالی اروپا و (سرزمین گور) به جای دره تفلیس، و (کوه‌های سفید) به جای کوه‌های قفقاز و (کوه بلورین) به جای دماوند (دریای کبود) به جای دریای سیاه و نظایر آن اگرچه داستان را رنگین‌تر می‌کند از طرف دیگر خواننده را سر در گم نگه می‌دارد.

همچنین (امودریا) را «رود دریا» و (سیر دریا) را «رود ریگزار» ترجمه کرده که معلوم نیست روی چه مأخذی است. در کلمه امودریا، جزء (امو) به اغلب احتمال نام محل است. عرب آن را جیحون نامید و ایرانیان غیر از امودریا (وخشاب) یا (وخشاو) هم می‌نامیدند که ضبط (Oxus) یونانی از همان کلمه فارسی است. سیر دریا را عرب سیحون نام داد و ظاهراً نام ایران آن (یخشرب) است که یونانیان به شکل (Jaxartes) ضبط کرده‌اند.^۲ نویسندگان و محققان مانند بارتلد، تارن، لسترنج، مفهوم‌هایی نظیر رود دریا و رود ریگزار به آن دو نسبت نداده‌اند و خبری از آن تعبیر ندارند.

۱. Gubaru, Ugbaru, Gobryas, Amytis, Gutium

۲. رجوع کنید به یادداشت مترجم در ص ۱۹۸ کتاب «اسکندر مقدونی» چاپ تهران ۱۳۳۵.

در باب بعضی نام‌های دیگر مذکور در کتاب نیز می‌توان همین قبیل ملاحظات را اظهار نمود. مثلاً (ارپیگ) یا (هاریاگوس) به قول یوستی اهل ماد، حتی از خاندان شاهی بوده و معلوم نیست چرا مؤلف محترم او را ارمنی دانسته. مادها و ارمنی‌ها با این که هر دو از اقوام ایرانی بوده‌اند قوم واحد نبوده‌اند.

پس از این چند نکته که به طور نمونه و با رعایت اختصار مذکور افتاد و منظور عمده از آن متوجه ساختن خواننده بود که کلیه اقوال و روایات کتاب را حقایق تاریخی تصور نکند، باید بار دیگر اظهار دارم که این تألیف، من حیث المجموع هرگز بدون فکر و تحقیق نوشته نشده و مخصوصاً در وراء عبارات و روایات آن، و توجیهی با حقیقت وفق ندهد، حسن نیت و مراتب دوستی و محبت مؤلف محترم نسبت به ایران منتشر و این معنی برای هر کسی که آن را به دقت بخواند ظاهر است. بنابراین «کوشش کبیر» در ردیف داستان‌های تاریخی مربوط به کشور ما، موقع ممتازی ندارد و مطالعه‌کنندگان دقیق به ارزش آن پی خواهند برد.

نگفته نماند چون مؤلف محترم در پاریس گذشته برحسب دعوت به تهران آمد، انتقاداتی جزئی مذکور را به ایشان اظهار نمودم. ایشان با مهر و تواضع مرا مجاز ساختند آن‌ها را در ترجمه گوشزد نمایم. چنان که هر کسی خود می‌تواند تطبیق نماید. در ترجمه این کتاب اهتمام به عمل آمده مهموم نیست. عبارات بدون تلخیص یا تغییر به سبک فارسی درآید و تا آن جا که امکان دارد به سبک و روش مؤلف محفوظ بماند. در ضمن چنان که در نظر خوانندگان ترجمه به سهود است در مواردی برای توضیح یا تصریح مطالب متن یادداشت‌هایی به طور پورقی ضمیمه گشت که امید است سودمند واقع گردد.

تهران - تیرماه ۱۳۴۰ شمسی

دکتر رضازاده شفق.